

بخش اول

واژگان و املا

منوی پیشنهادی سرآشپز در این بخش:

- معنی همه واژه‌های دشوار همراه شاهد مثال (هم‌انتهایی که در انتهای کتاب درسی معنی شده‌اند و هم‌انتهایی که معنی نشده‌اند).
- جمع‌آوری واژگان مهم املائی
- بیان نکات املائی هر درس با توضیحی کامل همراه با مثال‌های متنوع



ویکاب وینزویپ

شعر آغازکننده بخش ستایش



واژه‌نامه

- ◀ مَلِک: پادشاه، صاحب مُلک
- ◀ ذِکْر: یاد کردن، نام، یاد

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی نروم جز به همان ره که توام راه‌نمایی

ستایش: به نام خداوند جان و خرد



واژه‌نامه

- ◀ کیوان: ستاره زحل
- ◀ گردان سپهر: سپهرگردان (آسمان چرخان؛ قدیمی‌ها برای این باور بودند که زمین ثابت و آسمان در حال چرخش است.)
- ◀ فروزنده: روشن‌کننده، افروزنده
- ◀ ناهید: ستاره زهره
- ◀ مهر: خورشید

خداوند کیوان و گردان سپهر فروزنده ماه و ناهید و مهر

- ◀ بیننده: چشم، کسی که می‌بیند. در شعر فردوسی مقصود از «بینندگان»، دو چشم یا چشمان است.

به بینندگان، آفریننده را نبینی، مرنجان دو بیننده را

◀ ستودن: ستایش کردن

◀ میان: کمر

◀ میان بستن: کنایه از آماده شدن

ستودن نداند کس او را چو هست میان بندگی را بیایدت بست

◀ برنا: جوان

توانا بود هر که دانا بود ز دانش، دل پیر، برنا بود

واژه‌های مهم املائی

◀ ذکر (ذاکر) * برنگذرد * فروزنده * ناهید * ستودن

درس اول

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

واژه‌نامه

◀ بامداد: صبح زود، سپیده دم، سحرگاه

◀ لیل: شب

◀ نهار: روز

ببادی که تفاوت نکند لیل و نهار خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

◀ تنبیه: هوشیار کردن، آگاه ساختن کسی بر کاری

◀ اقرار: آشکار گفتن، پذیرفتن چیزی و آن را بر زبان آوردن

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

روان‌خوانی دروازه‌ای به آسمان

واژه‌نامه

- ◀ **قافله:** گروه مسافر، کاروان، همسفران
- ◀ **ملحق:** پیوسته شده، کسی یا چیزی که به دیگری پیوسته و متصل شده باشد.
- ◀ **جنگ، برپا شده بود تا «محمد جهان آرا» به آن قافله‌ای ملحق شود** که به سوی عاشورا می‌رفت.
- ◀ **محفوظ:** حفظ شده، نگاه‌داری شده
- ◀ **اما آنان که یاد آن مقاومت عظیم را در دل محفوظ داشته‌اند، پیر شده‌اند و پیرتر.**
- ◀ **ققنوس:** پرنده‌ای افسانه‌ای که گویند در آتشی که خود برمی‌افروزد، می‌سوزد و از درون خاکسترش دوباره نوزادی متولد می‌شود. به همین سبب این پرنده را رمز جاودانگی و فداکاری می‌دانند.
- ◀ **حیات حقیقی مردان خدا، ققنوس‌وار از میان خاکستر نخل‌های نیم سوخته، سر برآورد.**
- ◀ **باژگونه:** واژگون، وارونه
- ◀ **عجب از این عقل باژگونه که ما را در جست‌وجوی شهدا به قبرستان می‌کشاند!**
- ◀ **مظهر:** نشانه، جلوه‌گاه
- ◀ **مسجد جامع خرمشهر، قلب شهر بود که می‌تپید و تا بود، مظهر ماندن و استقامت بود.**

◀ **اشغال:** جایی را به زور گرفتن، مکانی را تحت تصرف درآوردن.

خرمشهر به **اشغال** متجاوزان درآمد.

◀ **مقر:** قرارگاه، جای قرار و آرام

بچه‌ها در خرمشهر **مقری** نداشتند.

◀ **اصحاب:** ج صاحب، یاران

ما هم **اصحاب** امام حسینیم.

◀ **تداعی:** از یک معنی به معنی دیگری بردن، به یاد آوردن

تا این را گفت، برای همه، صحنه کربلا **تداعی** شد.

◀ **منتهی:** آخر، پایان

یا ما دشمن را از بین ببریم یا دشمن ما را به شهادت برساند. **منتهی**

هر کس می‌خواهد از همین الان برود.

◀ **استقرار:** قرار یافتن، آرام گرفتن

جز شایستگان، کسی در کربلای خرمشهر **استقرار** نیابد.

◀ **معارج:** ج معراج، نردبان‌ها، آنچه به وسیله آن بالا می‌روند.

در پس این ویرانی‌ها **معارجی** به سال ۱۶ هجری قمری وجود داشت.

◀ **سلاله:** نسل، خلاصه هر چیز، برگزیده

این جمله را یک جوان بسیجی، مردی از **سلاله** جوانمردان بر تابلوی

دروازه خرمشهر نگاشته بود.

واژه‌های مهم املائی

◀ قافله * ملحق (الحاق) * محفوظ (حفظ) * صلح (اصلاح) * فرصت *

* سقف * وقفه (توقف) * حیات * نظاره (نظر) * پایان‌ناپذیر *

بخش دوم

معنی و مفهوم

منوی پیشنهادی سرآشپز در این بخش:

- معنی همه شعرهای کتاب: درس‌ها، تمرین‌ها، شروع فصل‌ها و پشت جلد کتاب.
- ارائه مفهوم برای بیت‌هایی که نیاز به توضیح تکمیلی دارند.



ویک‌ب‌وین‌وی

آشنای غریبان



چشمه‌های خروشان تو را می‌شناسند موج‌های پریشان تو را می‌شناسند
 ◀ معنی: چشمه‌های خروشان و موج‌های پریشان تو را می‌شناسند.

پریش تشنگی را تو آبی، جوابی ریک‌های بیابان تو را می‌شناسند
 ◀ معنی: تو مانند آبی هستی که انسان‌های تشنه معرفت در پی آن هستند، حتی شن‌های بیابان هم ارزش تو را می‌دانند.

نام تو رخصت رویش است و طراوت زین سبب برگ و باران تو را می‌شناسند
 ◀ معنی: ای امام رضا (ع) نام تو اجازه روییدن و شادابی است و به این دلیل گیاهان و قطره‌های باران با تو آشنا هستند.

هم تو گل‌های این باغ را می‌شناسی هم تمام شهیدان تو را می‌شناسند
 ◀ معنی: امام رضا، تو همه زیبایی‌های این باغ را می‌شناسی و همه شهیدان هم وجود پاک تو را درک کرده‌اند.

اینک ای خوب! فصل غربی سرآمد چون تمام غریبان تو را می‌شناسند
 ◀ معنی: اکنون ای انسان خوب و شایسته زمان غربی و تنهایی به پایان رسید، چون همه انسان‌های غریب و بیگانه تو را می‌شناسند.

کاش من هم عبور تو را دیده بودم کوچه‌های خراسان تو را می‌شناسند
 ◀ معنی: کاش من هم آن زمان بودم و عبور تو را می‌دیدم؛ مانند مردم در کوچه‌های خراسان حضور تو را درک می‌کردم.
 قیصر امین‌پور

میلادِ گل

میلادِ گل و بهار جان آمد برخیز که عید می‌کشان آمد

◀ معنی: میلاد حضرت مهدی (ع) فرارسیده است که باعث شادی و نشاط وجود دوستدارانش می‌شود. برخیز که زمان جشن و شادی است.

خاموش مباش زیر این خرقة بر جان جهان دوباره جان آمد

◀ معنی: خاموشی و حزن را کنار بگذار که با آمدن مهدی (ع) بر روح عالم جانی دوباره دمیده می‌شود.

گلزار ز عیش لاله باران شد سلطان زمین و آسمان آمد

◀ معنی: همه هستی بر اثر این اتفاق مبارک (تولد حضرت مهدی (ع)) شاد و زیبا شد.

آماده امر و نهی و فرمان باش هشدار که منجی جهان آمد

◀ معنی: آماده فرمانبرداری از او باش و آگاه باش که ناجی جهان و جهانیان آمده است. امام خمینی (ره)

شد چنان از تَفِ دل، کام سخنور، تشنه که ردیف سخنش آمده یک سر، تشنه

◀ معنی: آن چنان از حرارت و آه دل، کلام و دهان شاعر تشنه شده است که ردیف شعرش، همه واژه تشنه است. فدایی مازندرانی

احوال گل، ز خار پیرس و ز من پیرس نالیدن از هزار پیرس و ز من پیرس

◀ معنی: حال گل را از خاری که پیش اوست جویا شو و از من پیرس؛ آواز و ناله سردادن را از بلبل سؤال کن و از من پیرس. فدایی مازندرانی

لاله دیدم، روی زیبای توام آمد به یاد شعله دیدم، سرکشی های توام آمد به یاد
 ◀ معنی: گل لاله را دیدم و زیبایی های تو را به یاد آوردم. وقتی شعله های آتش را دیدم سرکشی ها و بی قراری های تو به یادم آمد.

رهی معیّری

هی بیابامن، بران این خرس را خرس را گلزین، مهل بمجنس را
 ◀ معنی: آهای، با من بیا و این خرس را از خودت دور کن؛ خرس را برای دوستی و همراهی انتخاب نکن درحالی که همجنس خود (انسان) را رها کرده ای.

آب زیند راه را بین که نگار می رسد مژده دهید باغ را، بوی بهار می رسد
 ◀ معنی: راه را آب و جارو کنید که معشوق در راه آمدن است و به باغ مژده دهید که بوی بهار می آید.

درس چهاردهم

پیدای پنهان



جهان، جمله، فروغ روی حق دان حق اندر وی ز پیدایی است پنهان
 ◀ معنی: همه پدیده های جهان، عظمت خداوند را نشان می دهد. خداوند از شدت آشکاری در پدیده های خودش پنهان به نظر می رسد.

محمود شبستری

جهان چون زلف و خال و خط و ابروست که هر چیزی به جای خویش نیکوست
 ◀ معنی: عالم هستی مانند چهره انسان است که جایگاه اجزایش مشخص

است و چشم و مو و خال و ابرو و... سر جای خود زیبا و مطلوب اند.

◀ مفهوم: حکمت در تنوع خلقت و جایگاه آنها محمود شبستری

شعرخوانی: بُوَد قدر تو افزون از ملایک

دلی دیرم خریدار محبت کز او کرم است بازار محبت

◀ معنی: دلی دارم که ارزش محبت و مهربانی را می داند و خریدار آن است. بازار پررونق محبت به دلیل وجود دل من است.

لباسی دوختم بر قامت دل زپود محنت و تار محبت

◀ معنی: تاروپود قلب من از محبت و رنج بافته شده است.

بُوَد درد مو و در مانم از دوست بُوَد وصل مو و هجرانم از دوست

◀ معنی: درد و دوی من و وصل و هجرانم از جانب دوست (خداوند) است.

اگر قصابم از تن واکره پوست جدا هرگز نکردد جانم از دوست

◀ معنی: اگر قصاب پوست تنم را بکند، باز هم جانم از جان یار جدا نمی شود.

به قبرستان گذر کردم کم و بیش بدیدم قبر دولتمند و درویش

◀ معنی: گاهی از قبرستان عبور کرده ام و قبر انسان های ثروتمند و فقیر را دیده ام.

بخش سوم

دانش زبانی

منوی پیشنهادی سرآشپز در این بخش:

- بررسی همه نکات زبانی و دستوری کتاب همراه با توضیحات کامل و مثال‌های کاربردی
- استفاده از جدول‌ها و نمودارها برای تثبیت آموخته‌ها



ویک‌ب‌وین‌وی

پیدای پنهان



قید

به کلمه‌ای که مفهوم حالت، زمان، تردید و... را به فعل جمله می‌افزاید، **قید** گفته می‌شود. قید از ارکان اصلی جمله نیست و می‌توان آن را حذف کرد.

انواع قید


① **قید زمان:** کلمه یا ترکیب‌هایی که مفهوم زمان را در جمله می‌رساند؛ مانند شب، هرگاه، صبح، هر سال، ناگهان.

مثال:

دی شیخ با چراغ همی کشت کرد شهر کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

قید زمان (دیروز)

② **قید مکان:** کلمه یا ترکیب‌هایی که مفهوم مکان را در جمله می‌رساند؛ مانند همه جا، اینجا، بالا، پایین، نزدیک، درون، بیرون.

 **مثال:** آنجا بیر مرا که شرابم نمی‌برد

قید مکان

③ **قید حالت:** قیدی است که حالتی را در جمله نشان می‌دهد؛ مانند افتان و خیزان، خندان، گریان، لنگ‌لنگان، دوان‌دوان، سوت‌زنان.

مثال:

من دوست می دارم جفا کزد دست جانان می برم

طاقت نمی دارم ولی افتان و خیزان می برم

قید حالت

④ **قید تکرار:** کلمه یا ترکیبی است که وقوع فعل را همراه با تکرار می رساند؛ مانند پی در پی، همواره، پیایی.

مثال:

هزار زخم پیایی گر اتفاق افتد ز دست دوست نشاید که انتقام افتد

قید تکرار

⑤ **قید کیفیت:** کلمه یا ترکیبی است که کیفیت یا چگونگی وقوع فعل را می رساند؛ مانند خوب، بد، آرام، سریع، خوانا.

مثال:

خوب می دانم شبیه عاشقانت نیستم خوب می دانی که اوضاع دلم مطلوب نیست

قید کیفیت

قید کیفیت

⑥ **قید تأکید و یقین:** کلمه یا ترکیبی است که وقوع یا عدم وقوع فعل را همراه با تأکید و یقین می رساند؛ مانند بی شک، یقیناً، حتماً، ناچار، بی گمان، بدون تردید.

مثال:

پس از دشواری آسانی است ناچار ولیکن آدمی را صبر باید

قید تأکید

بخش چهارم

دانش ادبی

منوی پیشنهادی سرآشپز در این بخش:

- بررسی همه نکات ادبی کتاب همراه با توضیحات کامل و مثال‌های کاربردی
- بهره‌گیری از نمونه‌های نظم و نثر برای آشنایی بیشتر و تثبیت آموخته‌ها



و کتاب وینزوی

درس اول

آفرینش همه تنبیه خداوندِ دل است



تنبیه

- مانند کردن چیزی به چیز دیگر را که در صفتی مشترک باشند **تنبیه** می‌گویند. این نوع زیباسازی سخن چهار رکن (پایه) دارد:
- ① **مَشَبَّه**: چیزی یا کسی که قصد **تنبیه** آن را داریم.
 - ② **مَشَبَّه بَه**: چیزی یا کسی که آن را به **مَشَبَّه** مانند می‌کنیم.
 - ③ **وجه شبهه**: صفت مشترک بین **مَشَبَّه** و **مَشَبَّه بَه** است.
 - ④ **ادات **تنبیه****: واژه‌ای که شباهت **مَشَبَّه** و **مَشَبَّه بَه** را نشان دهد.
- **مَشَبَّه** و **مَشَبَّه بَه** را **طرفین **تنبیه**** می‌نامند که همیشه در **تنبیه** حضور دارند، اما **ادات **تنبیه**** و **وجه شبهه** ممکن است از ساختمان **تنبیه** حذف شوند.

مثال:

- خرم‌شهر شقایق خون‌رنگ است که داغ جنگ بر سینه دارد.

مَشَبَّه بَه

مَشَبَّه

- منم چون شاخ تشنه در بهاران تویی همچون هوای ابر و باران

مَشَبَّه ادات **تنبیه** مَشَبَّه بَهمَشَبَّه ادات **تنبیه** مَشَبَّه بَه

- گاهی گروهی از کلمه‌ها به گروه دیگری از کلمه‌ها **تنبیه** می‌شوند. به این نوع **تنبیه** **مَرگَب **تنبیه**** می‌گویند.

مثال:

- دیدار یار غایب دانی چه ذوق دارد؟ ابری که در بیابان بر تشنه‌ای بیارد

مَشَبَّه

مَشَبَّه بَه

- شاعر برای رهایی از تشبیه ساده با ذکر یک برتری، تشبیه را هنری تر می‌کند.

 مثال:

تا توانی می‌گیر از یار بد یار بد بد تر بود از مار بد

مشبه مشبه به

- گاهی تشبیه به صورت ترکیب اضافی می‌آید.

 مثال:

• عقل حیران شود از خوشه زرین عنب فهم، عاجز شود از حقه یاقوت انار

• چراغ یقینم فرا راه دار ز بد کردنم دست، کوتاه دار

• ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی بر کند کر تورانوح است کشتیان، ز توفان غم مخور

• یکی را به سر برهند تاج بخت یکی را به خاک اندر آرد ز تخت

• آه و افسوس از آن روز که در دشت بلا بود آن خسرو بی لشکر و یاور تشنه

جان بخشی

هرگاه صفات، اجزا، ویژگی‌ها و افعال انسان را به غیرانسان نسبت دهیم از **آرایه تشخیص** استفاده کرده‌ایم. تشخیص را شخصیت بخشی، جاندارانگاری و آدم‌نمایی هم نامیده‌اند.

 مثال:

• آسمان از شوق، دف می‌زد شط خر مشهر، کف می‌زد

بخش پنجم

تاریخ ادبیات

منوی پیشنهادی سرآشپز در این بخش:

● معرفی همه شخصیت‌ها و آثار ادبی، سیاسی و علمی ذکر شده

در کتاب درسی

● معرفی مفاخر در سه بخش تاریخ زندگانی، توضیحات و آثار

به منظور آسان‌تر شدن یادگیری

● آوردن توضیحات تکمیلی مختصر با علامت ستاره (*)



کتاب‌های ویژه

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است



امام خمینی (ره)

تاریخ زندگانی: از ۱۲۸۱ ه.ق تا ۱۳۶۸ ه.ش

در خمین



توضیحات: وی رهبر و بنیان‌گذار حکومت

اسلامی بود که مقدمات علوم را در زادگاهش

آموخت و علوم اسلامی را نزد استادانی

مانند عبدالکریم حائری یزدی فراگرفت. ایشان تا سال ۱۳۵۷ به

مبارزه‌های خویش علیه شاه ادامه داد و در همان سال انقلاب

اسلامی به پیروزی رسید.

اثر: دیوان اشعار*

سعدی

تاریخ زندگانی: از ۶۰۶ تا ۶۹۰ ه.ق در شیراز

توضیحات: مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله

شیرازی، فرمانروای مُلک سخن، شاعر و

نویسنده بزرگ قرن هفتم است. او در شیراز

مقدمات علوم را فراگرفت؛ سپس به بغداد

رفت و مدتی در مدرسه نظامیه به تحصیل مشغول شد.



آثار: بوستان (مثنوی حکمی و اخلاقی در ده باب که آن را در سال ۶۵۵ ه. ق به نظم درآورد). * گلستان (آن را در سال ۶۵۶ ه. ق به سجع نوشت).

جامی، قانی و قائم مقام از تقلیدکنندگان معتبر گلستان سعدی هستند. گلستان نثری مسجع، آمیخته به نظم و در هشت باب است:

- ۱- سیرت پادشاهان ۲- در اخلاق درویشان ۳- در فضیلت قناعت
- ۴- در فواید خاموشی ۵- در عشق و جوانی ۶- در ضعف و پیری
- ۷- در تأثیر تربیت ۸- در آداب صحبت

محمد بن منور

تاریخ زندگانی: قرن ششم

توضیحات: محمد بن منور از نوادگان شیخ ابوسعید ابی‌الخیر است که با نثری ساده، کتاب خود را به رشته تحریر درآورد.



اثر: اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابوسعید ابی‌الخیر (کتابی در شرح احوال شیخ ابوسعید ابی‌الخیر است).

بخش ششم

بانک سؤال‌های امتحانی و پاسخ‌نامه

منوی پیشنهادی سرآشپز در این بخش:

- ارائه نمونه سؤال‌های امتحانی برای هر درس به تفکیک موضوع
- آزمون نوبت اول و دوم (املا و نگارش) مطابق با استانداردهای آموزش و پرورش
- ارائه پاسخ‌نامه تشریحی برای سؤال‌ها و آزمون‌ها



ویکتوریا

درس هفتم

پرتو امید

واژگان و املا 

۸۹. معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) حافظا در کنج فقر و خلوت شب‌های تارتا بود و ردت دعا و درس قرآن غم مخورب) دور کردون کرد و روزی بر مراد ما نرفتدائماً یکسان نباشد حال دوران غم مخورمعنی و مفهوم 

۹۰. معنای بیت‌های زیر را بنویسید.

الف) در بیابان کر به شوق کعبه خواهی زد قدمسرزنش ما کر کند خار مغیلان، غم مخورب) هان مشو نومید چون واقف نه ای از سر غیبباشد اندر پرده بازی‌های پنهان غم مخور

۹۱. «بنیاد هستی بر کند» در بیت زیر به چه معناست؟

«ای دل از سیل فنا بنیاد هستی بر کند»

چون تو را نوح است کشتیبان، ز توفان غم مخور

۹۲. معنا و مفهوم عبارت «دل بد مکن» در مصراع زیر چیست؟

«ای دل غمدیده حالت به شود دل بد مکن»

دانش زبانی

۹۳. مفعول را در بیت زیر مشخص کنید.

«خشمگین شد با کس خرس و برفت برگرفت از کوه سنگی سخت زفت»

دانش ادبی

۹۴. در بیت زیر کدام آرایه‌های ادبی به کار رفته است؟

«ای دل غمدیده حالت به شود دل بد مکن

وین سر شوریده باز آید به سامان غم مخور»

۹۵. بیت تخلص را تعریف کنید و یک مثال بنویسید.

تاریخ ادبیات

۹۶. یکی از حافظ‌پژوهان برجسته معاصر را نام ببرید.

نگارش

۹۷. در چند سطر امید و ناامیدی را با هم مقایسه کنید.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۹۸. کدام یک از واژگان زیر مفرد است؟

(۱) احزان (۲) مگیلان (۳) دوران (۴) آزادگان

۹۹. مشبّه در بیت زیر کدام است؟

«ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی برکند

چون تو را نوح است کشتیبان، ز طوفان غم مخور»

(۱) فنا (۲) سیل (۳) نوح (۴) تو

آزمون هماهنگ درس املاي فارسی (استان فارس)

تاریخ آزمون: ۹۵/۰۳/۱۰

نام و نام خانوادگی:

مدت آزمون: ۳۰ دقیقه

نام آموزشگاه:

متن املاي تقریری

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
پیامبر اعظم (ص) به ابوذر فرمود: «ای ابوذر، خداوند متعال به
سیمای ظاهر و دارایی‌ها و گفته‌هایتان نمی‌نگرد، بلکه به دل‌ها و
کردارتان می‌نگرد».

در زمین نگاه کن که چگونه بساط تو ساخته است و جوانب وی
فراخ گسترانیده و از زیر سنگ‌های سخت، آب‌های لطیف روان
کرده تا بر روی زمین می‌رود و به تدریج بیرون می‌آید. در وقت بهار
بنگر که زمین چگونه زنده شود و چون دیبای هفت‌رنگ گردد.

بدان که مردم بی‌هنر مادام بی‌سود باشد چون مغیلان که تن دارد و
سایه ندارد. نه خود را سود کند و نه غیر خود را. جهد کن که اگرچه اصیل
و گوهری باشی، گوهرتن نیز داری که گوهرتن از گوهر اصل بهتر بود.

امروز همین حس مشترک، هم‌جوشی و هم‌کوشی، هم‌زیستی ما را
معنا می‌بخشد به همین سبب است که ملت ایران یک صدا چونان
شیر می‌غرند و ندای واحدی برمی‌آورند که:

چو ایران نباشد تن من مباد در این بوم و بر زنده یک تن مباد

رابعه می‌گفت: «الهی تو می‌دانی که هوای دل من در موافقت فرمان
توست و روشنایی چشم من در خدمت درگاه تو. اگر کار به دست

پاسخ نامہ



ویکیبہ ویکنری پی

ب) حرص ورزی نکن، زیرا همه می‌میرند و هنگام مردن درویش و ثروتمند بیشتر از یک کفن از این دنیا نمی‌برند.

۱۹۷. الف) مراعات نظیر (لباس، تار، پود)

ب) تضاد (کم و بیش، دولتمند و درویش)

۱۹۸. الف) خیام / ب) حافظ

۱۹۹. توحید مفضل نوشته مفضل بن عمر الکوفی و ترجمه علامه محمدباقر مجلسی است.

۲۰۰. بر عهده دانش‌آموز است.

۲۰۱. گزینه «۳»

۲۰۲. گزینه «۴»

۲۰۳. گزینه «۱»

۲۰۴. گزینه «۱»

۲۰۵. گزینه «۲»

۲۰۶. الف) آوا: طنین / ب) باور: اعتقاد / پ) غره: فریفته / ت) صبور: شکيبا

۲۰۷. «حلقه گرد من زنید» یعنی به دور من جمع شوید.

۲۰۸. امیدوارم دانه‌ای بکاری حتی اگر کوچک باشد و بالیدن و بزرگ شدنش را تماشا کنی و مفهوم رشد و زندگی را در گیاه و درخت با چشمت ببینی. زندگی همواره در جریان است و سکون معنایی ندارد.

۲۰۹. ساده: گل، نبات / مشتق: دانا، خردمند / مرگب: گلخانه، آتش‌نشان

۲۱۰. الف) بیاورند: مضارع التزامی، سوم شخص جمع

ب) می‌کنند: مضارع اخباری، سوم شخص جمع

- ۱.۲۱۱- من مانند چراغ لاله: مشبّه: من / مشبّه‌به: چراغ لاله /
ادات تشبیه: چون / وجه شبهه: سوختن / داغ داشتن
- ۲- چراغ لاله (لاله به چراغ تشبیه شده است.): مشبّه: لاله / مشبّه‌به:
چراغ / وجه شبهه: سرخی
۲۱۲. شعر «آرزو»: ویکتور هوگو / توحید مفضل: علامه مجلسی /
روضه خلد: مجد خوافی / مرزبان‌نامه: سعدالدین وراوینی
۲۱۳. الف) لیلۃ‌القدر طولانی‌ترین شب سال است.
ب) آنها برای بزرگی خود تلاش می‌کنند.
۲۱۴. بر عهده دانش‌آموز است.
۲۱۵. گزینه «۱»
۲۱۶. گزینه «۳»
۲۱۷. گزینه «۱»
۲۱۸. گزینه «۴»
۲۱۹. گزینه «۲»
۲۲۰. الف) رزق: غذای روزانه، روزی / انعام: بخشش، نعمت دادن
ب) فرقه: گروه / عزت: ارجمندی، احترام
۲۲۱. الف) وقتی از کار تعمیر هواپیما فراغت یافتیم.
ب) تصویر مار بوا بود که فیلی را بلعیده بود و هضم می‌کرد.
۲۲۲. الف) پروردگارا، حال که در دنیا به ما عزت عنایت فرمودی انتظار
داریم که در آخرت هم ما را عزیز گردانی.
- ب) امروز باید به دعا و شکرگزاری پردازیم، زیرا وقتی مردم از ما کاری
ساخته نیست.

۲۲۳. الف) کنایه از اینکه مرا ناامید نکن.

ب) کنایه از اینکه درگاه و آستان دیگری را سراغ ندارم (که به آن پناه ببرم) و برایم قابل تصوّر نیست.

پ) کنایه از مناجات کردن

ت) کنایه از انتظار داشتن

۲۲۴. الف) من که داشتم اهلی می شدم.

ب) اکنون شش سال از آن ماجرا گذشته است.

۲۲۵. تشبیه (چراغ یقین) / واج آرایی (حرف «ر») / کنایه (دست کوتاه کردن کنایه از ناتوان کردن)

۲۲۶. ذلت: مترادف: خواری، متضاد: عزّت / فاش: مترادف: آشکار، متضاد: پنهان / ظریف: مترادف: نازک، متضاد: ضخیم / وقار: مترادف: متانت، متضاد: سبکی

۲۲۷. داستان هایی برای فکر کردن: رابرت فیشر / شازده کوچولو: آنتوان دوست اگزوپری

۲۲۸. برعهده دانش آموز است.

۲۲۹. گزینه «۱»

۲۳۰. گزینه «۱»

۲۳۱. گزینه «۲»

۲۳۲. گزینه «۱»

۲۳۳. گزینه «۴»